

The Right to Freedom of Press in the Light of the Teachings of Human Rights

Hassan Khosravi¹

Navid Zamaneh Ghadim²

Yousef Bagheri Hamed³

Abstract

The scale for a democratic system in an international community, as written down in the human Rights declaration, is a sign of civilization of a government from one hand and on the other hand is a necessity whose basis is the freedom of countries, but freedom expression, whose apparent type is press freedom, requires creating a desirable atmosphere based on law. But what is the position of rights about press freedom considering the limitation posed for international human rights system? According to the act 19 of the Human Rights, press freedom has been considered as right- freedom in field of human rights as a tool for expressing freedom and clarity of governments' cultural and social activities which is a requirement for creating a democratic system and provider of freedom in public. The contract of political-civil rights, entering this issue, wants the governments increase their capabilities about promoting this type of right-freedom in their territories. The present study looks for studying the dimensions of rights over press freedom and related limitations in sight of human right teachings; what are the esteem rights over press freedom in the international human right system? The key question of the author of the present work is this one and also the answer to it. In this essay, emphasizing the human rights declaration as the most important document of international human system, studies the right over press freedom in the international law. Precise knowledge about this right requires development of availability of information to people and protecting it. The aim of the present study is to develop the literature of press rights in

1. PhD in Public Law, Associate Professor of Law Department, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: Hkh.be82@yahoo.com

2. PhD Student of International Law at Islamic Azad University Branch of Tehran Shomal, Iran.

3. PhD Student of International Law at Islamic Azad University Branch of Zanjan, Iran.

the international field of human rights and pay attention to the damages and challenges which they face. In fact, the method used here is aimed at the original goal analyzing several theories in this field that the writers have tried to express the challenges and damages for the international community as opposed to the above, mentioned principle with some scrutiny.

Keywords

Human Rights, International System, Rights on Press Freedom, Freedom of Speech, Democratic System

Please cite this article as: Khosravi H, Zamaneh Ghadim N, Bagheri Hamed Y. The Right to Freedom of Press in the Light of the Teachings of Human Rights. Iran J Bioethics 2016; 6(21): 135-156.

حق بر آزادی مطبوعات در پرتو آموزه‌های حقوق بشر

حسن خسروی^۱

نوید زمانه قدیم^۲

یوسف باقری حامد^۳

چکیده

معیار نظام دموکراتیک در جامعه بین‌المللی به طوری که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده، از طرفی مظهر تمدن دولت - ملت‌هاست و از سوی دیگر ضرورتی متعالی است که اساس آن، آزادی جامعه مدنی کشورهاست، ولیکن ابراز آزادی به اشکال مختلف که نوع بارز آن آزادی مطبوعات است، به طور کلی نیازمند ایجاد فضای مطلوب مبتنی بر حاکمیت قانون می‌باشد، اما جایگاه حق بر آزادی مطبوعات با توجه به محدودیت‌های پیش رو در نظام بین‌المللی حقوق بشر کجاست، به طوری که از ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر برمی‌آید، آزادی مطبوعات به عنوان حق - آزادی در حوزه حقوق بشر به مثابه ابزار آزادی و شفافیت‌سازی فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و... دولت‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است که لازمه ایجاد نظامی دموکراتیک و تأمین‌کننده آزادی در معنای عام می‌باشد. پیمان‌نامه حقوق مدنی - سیاسی با ورود به چنین واقعیتی از دولت‌ها می‌خواهد تا با رعایت تعهدات بین‌المللی خود و با بهره‌مندی از همکاری‌های یکدیگر قابلیت‌های خود را در زمینه ارتقای این نوع حق - آزادی در قلمروی حاکمیتی‌شان افزایش دهند.

مقاله حاضر به دنبال بررسی ابعاد حق بر آزادی مطبوعات و محدودیت‌های ناظر بر آن در پرتو آموزه‌های حقوق بشری است، این‌که منزلت حق بر آزادی مطبوعات در نظام بین‌المللی حقوق بشر (Human Rights) کجاست؟ پرسش کلیدی پژوهشگران این نوشتار است که بدان پاسخ داده شده است. در این نوشتار با تمرکز بر اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان مهم‌ترین سند مدون نظام

۱. دانشیار گروه حقوق، دکترای حقوق عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: hkh.be82@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران.

بین‌المللی بشر به بررسی حق بر آزادی مطبوعات در حقوق بین‌الملل پرداخته شده است. شناخت دقیق چنین حقی، نیازمند توسعه دسترسی و استیفای افراد به اطلاعات و دفاع از آن‌ها است. هدف از این پژوهش، گسترش ادبیات حقوق مطبوعاتی در حوزه حقوق بین‌الملل بشر و توجه به آسیب‌ها و چالش‌های پیش روی اجرای آن است. در واقع، روش به کار گرفته شده در این اثر جهت نائل شدن به مقصود اصلی با تحلیل چندین نظریه مطروحه در این زمینه می‌باشد که با تدقین مختصری در آن‌ها، نگارندگان سعی کرده‌اند آسیب‌ها و چالش‌های پیش روی جامعه بین‌الملل در برابر اصل اخیرالذکر را بیان نمایند.

واژگان کلیدی

نظام بین‌المللی حقوق بشر، حق بر آزادی مطبوعات، آزادی بیان، نظام دموکراتیک

مقدمه

مطبوعات جزئی از رسانه‌های گروهی هستند که در حقوق بین‌الملل و همچنین نظام حقوقی کشورها بدان پرداخته شده است. در واقع قوانین مطبوعاتی در مقام بیان بایدها و نبایدهای عملکردی مطبوعات هستند که حدود آزادی مطبوعات (Freedom of Press) را از این طریق مشخص کرده‌اند. از سوی دیگر حق بر آزادی مطبوعات یکی از حقوق بنیادین بشر در اسناد حقوقی بین‌المللی و ملی است که مورد توجه قرار گرفته است. هر شهروند حق دارد با استفاده از مطبوعات به درست‌ترین اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی و تحولات جهانی دسترسی داشته باشد. با توجه به رشد رسانه‌ها در فضای جدید جامعه بین‌الملل، نقش فعال مطبوعات به عنوان رکنی از دموکراسی مطرح شده است. مطبوعات بنا به رسالتی که همان آگاهی‌سازی جوامع و پاسخگو کردن مقامات هیأت حاکمه است، دارای حقوقی‌اند. بنابراین دیگر به راحتی نمی‌توان مانع از اطلاع‌رسانی آن‌ها شد. شاید بتوان گفت که نظریه‌پردازان دموکراسی (Democracy) بر این اجماع رسیده‌اند که چاره مشکلات و رفع چالش‌ها، تعامل، گفتگو و شکل‌گیری آرای آگاهانه مردم است. اگر نظریه‌های دموکراسی با دقت مطالعه شوند، دریافت می‌شود که راه گشودن این گره در گفتگو و تعامل نهفته است، به طوری که گفتگو وجه معرفتی و تعامل وجه رفتاری در حل مشکلات است. بنابراین عناصر معرفتی و عملی شکل‌گیری دموکراسی در جوامع باید به گونه‌ای موازی به وجود آیند و تقویت گردند.

بر این اساس، وقتی از نقش مطبوعات و ارتباط آن با دموکراسی بحث می‌شود، تفسیر موسع این اصطلاح مد نظر است. در این تفسیر چنانچه در بند آتی بدان خواهیم پرداخت، مطبوعات به هر آنچه چاپ و با شمارگان بالا توزیع می‌شود، اطلاق می‌گردد. حق بر آزادی مطبوعات، حقی است که در صورت تحقق، علی‌رغم این‌که وجود دموکراسی را در جامعه مورد نظر نمایش می‌دهد، سبب ارتقای اخلاق اجتماعی و فرهنگی در فضای حاکم بر آن جامعه می‌گردد. بنابراین مطبوعات در فضای فرهنگی که خود در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند، تنفس می‌کنند. درست به همان اندازه که باید آزاد و غنی باشند، از وهم‌اندیشی و بی‌اخلاقی باید دوری کنند. حق بر آزادی مطبوعات در صورت تأمین، سبب اعمال رفتاری مدنی از سوی دولت‌ها که امری دشوار و نیازمند تمرین مستمر است، خواهد شد. روی سخن در اینجا در وهله نخست با اصحاب فرهنگ و مطبوعات است که مهم‌ترین بازیگران این عرصه در کنار شهروندان

آن‌ها هستند، سپس دولت‌ها به عنوان مجریان مسؤول در این زمینه، مسؤولیت رعایت و احترام به این حق را برای شهروندان خویش دارا هستند. از این طریق است که هم برای حق بر آزادی مطبوعات باید تلاش کرد و هم باید مطبوعات آزاد را اخلاقی به کار برد.

آنچه مسلم است رویه موجود، توان پاسخگویی به مشکلات موجود را ندارد، لذا کنشگران حقوق بین‌الملل (International Law) با توجه به لزوم پایداری‌شان به اصول بنیادین حقوق بشر، بایستی شیوه موجود را اصلاح نمایند. با توجه به این مقدمه و ضرورت آشنایی جامعه مطبوعات کشورها با حقوق و الزامات ناشی از چنین قواعدی این پژوهش درصدد است ابتدا به طور اجمال در بند نخست، به بررسی مفهومی و نظری حق بر آزادی مطبوعات در نظام بین‌المللی حقوق بشر و سپس در بند دوم مؤلفه‌های بنیادین حق بر آزادی مطبوعات را مورد بحث قرار دهد تا به مدد نمایش رجحان حقوق مطبوعات و غالبیت ملاحظات فرهنگی، جایگاه حق بر آزادی مطبوعات در میان دولت‌ها تعیین گردد. نهایتاً در بند سوم با توجه به نقش مطبوعات در تأمین آزادی در نظام بین‌المللی بشر به حق بر آزادی مطبوعات در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و همچنین به محدودیت‌های وارده بر حق مذکور پرداخته و آنگاه نتایج و پیشنهادهای حاصل از پژوهش ارائه خواهد شد.

تحلیل مفهومی و نظری حق بر آزادی مطبوعات در نظام بین‌المللی حقوق بشر

برخورداری از حق بر آزادی مطبوعات از منظر آزادی بیان، موضوعی است که در این بخش درصدد تحلیل و توجیه آن هستیم. آزادی مطبوعات در نظام بین‌المللی حقوق بشر به عنوان یکی از اشکال آزادی بیان همواره مورد توجه حقوقدانان و به دنبال آن قوانین کشورها بوده است. حق بر آزادی مطبوعات، شامل آزادی جستجوی اخبار، اطلاعات، پردازش و انتشار آن‌هاست (۱)، البته باید به این نکته هم توجه داشت که با در نظر گرفتن تحولات موجود در تکنولوژی مدرن، امروزه دیگر محدود کردن بحث به مطبوعات اعم از چاپی یا الکترونیکی مفید نخواهد بود، چراکه تمامی گونه‌های ارتباطات جمعی نظیر سایت‌های خبری، تحلیلی و حتی شبکه‌های اجتماعی نیز داخل در حوزه آزادی رسانه‌ای هستند.

با توجه به این‌که آزادی بیان (Freedom of Expression) از حقوق اساسی بشر به شمار می‌آید، حقی که به انسان به دلیل انسان‌بودنش داده شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت

که حق افراد بشری در دستیابی به حقایق، اخبار و اطلاعات تحت حق بر آزادی مطبوعات قابلیت تحقق پیدا نموده است. مطبوعات مظهر تمدن بشر و نشانه رشد و بیداری اوست، چراکه میزان توسعه و رشد مطبوعات هر ملتی نشانگر میزان آگاهی آن ملت است.

بنابراین از ارزشی سخن می‌گوییم که به حیثیت انسانی (Human Dignity) مربوط است و زمانی که این ارزش‌ها در داخل سیستم حقوقی کشورها به حالت موضوعه تبدیل می‌شوند؛ دیگر وصف اخلاقی‌بودن را از دست داده و قابلیت ادعا و مطالبه پیدا می‌کنند. شارل دو مونتسکیو (Charles de Montesquieu) حقوقدان فرانسوی، آزادی مطبوعات را جزء آزادی‌های سیاسی برمی‌شمرد. از نظر ایشان مطبوعات به مثابه قدرتی در برابر دولت‌ها است که نقش کلیدی در حوزه نظارت امور عمومی ایفاء می‌نمایند (۲).

با عنایت به این‌که حقوق بنیادین در نظام بین‌المللی حقوق بشر به حقوقی اطلاق می‌شوند که زیربنای تحقق سایر حقوق و آزادی‌ها هستند (۳). بنابراین آزادی اطلاعات یا آزادی ارتباطات بدون بهره‌مندی از حق بر آزادی مطبوعات بی‌معنا خواهند بود. در مورد حق بر آزادی مطبوعات با توجه به آنچه که گذشت، مفاهیم و تعاریف گوناگونی می‌توان ارائه کرد، ولیکن به اقتضای بحث در این قسمت تلاش می‌شود تحلیلی حقوقی از مفهوم حق بر آزادی مطبوعات ارائه گردد. برای تحلیل حق بر آزادی مطبوعات از منظر حقوق بشر عموماً دو تعریف عام و خاص مد نظر گرفته شده است.

۱- حق بر آزادی مطبوعات به معنای عام

حق بر آزادی مطبوعات به معنای عام، یعنی داشتن حق در زمینه جستجو، جمع‌آوری، کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال و مخابره آزادانه آن‌ها، انتشار آزادانه روزنامه‌ها، دریافت و مطالعه آزادانه مطبوعات و همچنین دریافت آزادانه برنامه‌های یادشده را دربر می‌گیرد. به این ترتیب، حق بر انتشار مجله‌های گوناگون از سوی افراد، مؤسسات و انعکاس آزاد افکار و عقاید عمومی در مطبوعات از شرایط اساسی حق بر آزادی مطبوعات در معنای عام به شمار می‌آید (۴).

امروزه در نظام بین‌المللی حقوق بشر صرف توجه به انواع آزادی‌ها، دیگر پاسخگوی نیازهای اجتماعی افراد بشری نیست و ایجاد شرایط و امکانات لازم برای بهره‌مندی از آزادی‌ها به عنوان حقوق مسلم بشری نیز ضرورت پیدا کرده است. حق بر آزادی مطبوعات نیز از این قاعده

مستثنی نیست و به همین سبب است که در اعلامیه‌ها، پیمان‌نامه‌های حقوقی بین‌المللی و حتی قوانین اساسی کشورها از «حق ارتباط (Communication Right)» یا «حق استفاده از مطبوعات (Right to Use of Press)» و الزام دولت‌ها به تأمین این‌گونه حقوق سخن گفته شده است. بنابراین اگر دولت‌ها نتوانند همه شرایط لازم جهت برخورداری افراد از حق بر آزادی مطبوعات و مشارکت آنان در ایجاد آثار فرهنگی همچون روزنامه‌ها را فراهم سازند، باید حداقل از هر گونه محدودیت‌هایی که ممکن است در راه تأمین چنین حقی ایجاد شود، خودداری نمایند.

۲- حق بر آزادی مطبوعات به معنای خاص

حق بر آزادی مطبوعات به معنای خاص، نشر آزاد روزنامه‌ها و سایر نشریات دوره‌ای بدون هیچ گونه محدودیت و عدم تعطیل خودسرانه آن‌ها بعد از انتشار، پیش‌بینی دقیق ضوابط و مسئولیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرائم احتمالی آن‌ها در دادگاه‌ها با حضور هیأت منصفه را شامل می‌گردد که با رعایت اصل تعدد و تنوع نشریات از جهت سیاسی و حفظ استقلال آن‌ها در برابر صاحبان قدرت تحکیم می‌گردد (۵).

در این مفهوم، حق بر آزادی مطبوعات در جوامع دموکراتیک نه فقط موجب برجستگی نقش نظارتی افراد انسانی و عینیت‌یافتن حق حاکمیت ملی است، بلکه ساختار موجود در درون بازیگران اصلی جامعه بین‌المللی با توسل بر خرد سنجشگر و اذهان نقاد اندیشگران به یک موجودیت ارگانیک که دائماً در حال رشد و توسعه است، مبدل می‌گردد (۶). در درون چنین مفهومی است که تلقی حاکمیت از حق بر آزادی مطبوعات به مثابه آیین غلط‌گیر جامعه، خود تضمین‌کننده شناخت صحیح و دقیق کارگزاران از جریان‌های شکل‌گرفته در بستر جامعه است، چراکه در غیر این صورت چگونه می‌توان از حق بر آزادی مطبوعات به عنوان حقی که از حیثیت ذاتی و کرامت انسانی نشأت گرفته شده است، صحبت کرد، در حالی که افراد انسانی را از حداقل آزادی بیان محروم ساخت.

با توجه به تفاسیری که از مفهوم حق بر آزادی مطبوعات به دست آمد، مصلحت مردم در این است که مطبوعات آزاد باشند. مصلحت مردم که روشن است، زیرا می‌توانند از این طریق در امور اجتماعی و فرهنگی کشورشان مشارکت نمایند و به حق مسلم خود برسند. از طرفی آزادی مطبوعات به نفع دولت‌ها نیز هست، چراکه مطبوعات وقتی محدود شوند، مردم به شایعه پراکنی روی می‌آورند و اطلاعات نادرست منتشر می‌گردند (۷).

بنابراین مصلحت دولت‌ها در اینست که مطبوعات آزاد باشند و تحت نظارتشان فعالیت‌های مطبوعات را رصد نمایند، چراکه در غیر این صورت دیگر روزنامه‌ها قابل خواندن نخواهد بود و مردم مجبور می‌شوند برای دسترسی به اطلاعات به رسانه‌های خارجی روی بیاورند.

طبقه‌بندی‌های گوناگونی توسط صاحب‌نظران امریکایی و اروپایی در مورد نظریه‌ها و نظام‌های آزادی و کنترل مطبوعات ارائه شده است، ولیکن در این مورد اختلافات جزئی وجود دارد. عده‌ای این نظریه‌ها را به دو دسته اقتدارگرایی و آزادی‌گرایی تقسیم می‌کنند، به طوری که افرادی همچون هربرت آلتشون و دومینیک معتقدند که در حوزه آزادی مطبوعات باید به لحاظ نظری از این دو نظریه اقتدارگرایی و نظریه آزادی‌گرایی تبعیت نمود؛ در مقابل اشخاصی مانند فرد سیبرت و تئودر پیترسون نظریه‌ها را به چهار دسته اقتدارگرایی، آزادی‌گرایی، مسؤولیت اجتماعی و نظریه توتالیت‌ر روسی تقسیم کرده‌اند.

سیلبرت و همکارانش این الگو را یک دهه بعد از تشکیل کمیسیون آزادی مطبوعات در دانشگاه شیگاگو، در چارچوب یک طرح مطالعاتی درباره مسؤولیت‌های اجتماعی ارتباطات جمعی مطرح نمودند که نهایتاً در کتاب چهار نظریه مطبوعات انتشار گردید (۸). نظریه اقتدارگرایی (Authoritarianism) در اواخر قرن شانزدهم و ابتدای سده هفدهم عموماً از سوی جوامع مورد قبول واقع شده بود که به همین سبب از لحاظ تاریخی بیشترین تداوم را داشته است. بر اساس این نظریه، مطبوعات به عنوان خدمتگزار دولت‌ها شناخته می‌شدند و در هر زمانی در برابر دولت‌ها راجع به محتوای نشریات خود دارای مسؤولیت بودند. این نظریه که تقویت‌کننده خط مشی‌های مورد نظر دولت‌های حاکم بود، ناشرین را موظف به اخذ مجوز از دولت، برای انتشار می‌نمود و به قدرت حاکمه اجازه سانسور قبل از انتشار می‌داد. بنابراین اصولاً مالکیت مطبوعات در دوره اقتدارگرایی در دست دولت‌ها بوده است، ولیکن در موارد معدودی با تحصیل مجوزهای خاص، مالکیت خصوصی مطبوعات امکان‌پذیر بوده است.

با طرح نظریه آزادی‌خواهی (Libertarian) که در قرن هیجدهم تحقق یافت و در سده نوزدهم میلادی جریان داشت، تحول بزرگی در حوزه حق بر آزادی مطبوعات ایجاد گردید؛ به طوری که بر اساس آن، دیگر مطبوعات به مثابه ابزار دولت‌ها نبودند، بلکه به عنوان وسیله‌ای در راستای عرضه واقعیت‌ها و استدلال‌ها شناخته می‌شدند. مطابق با نظریه آزادی‌خواهانه، مردم توانایی نظارت بر دولت منتخب خود را داشته و اذهان عمومی، خود را برای ارزیابی فعالیت‌های

دولت‌ها آماده می‌ساختند. بنابراین هر کسی که استطاعت داشت، می‌توانست مطلبی را نشر دهد و برای انتشار آن، دیگر مجوزی از سوی دولت لازم نبود. در آن دوران مطبوعات با الهام‌گیری از این نظریه، عمدتاً خصوصی بودند و به عنوان ابزاری شناخته می‌شدند که برای نظارت بر دولت‌ها و برآوردن نیازهای جامعه، وجودشان ضرورت داشت.

تفکری که در نیمه‌های سده بیست میلادی در ایالات متحده امریکا به وجود آمد، حاکی از آن بود که مطبوعات تنها ابزار منحصر به فرد در راستای محافظت از منشور حقوق شهروندان هستند و بایستی به تعهدات اجتماعی خود پایبند باشند. این نظریه که تحت عنوان نظریه مسؤولیت اجتماعی (Social Responsibility) که از سوی صاحبان مطبوعات با تأثیرپذیری از کمیسیون آزادی مطبوعات کامل شده بود، علاوه بر اطلاع‌رسانی سبب تضارب آرا نیز می‌شد که از این طریق، رشد و توسعه مباحثات نیز فراهم می‌گشت.

بر اساس این نظریه، هر کس بایستی دارای تریبونی آزاد جهت ارائه سخنان مهم خویش می‌بود و اگر مطبوعات و دیگر رسانه‌ها به خوبی نمی‌توانستند به تکالیف خود عمل نمایند، باید نهادی ایجاد می‌شد تا مراقبت نماید از این‌که آن‌ها بتوانند تکالیف خود را به درستی اعمال نمایند. بنابراین در نظریه مسؤولیت اجتماعی، آزادی بیان حقی اخلاقی محسوب شده و نمی‌تواند به صورت لجام‌گسیخته به هر سو روانه شود، این در حالی است که در نظریه آزادگرایی از حق آزادی به طور مطلق فارغ از هر نوع قید و بندی یاد شده بود (۸).

نظریه توتالیتار روسی (Russian Totalitarian) که عمدتاً مربوط به سال‌های حکمرانی کمونیست در شوروی سابق می‌باشد، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق افول نمود. هدف اصلی مطبوعات از دیدگاه این نظریه باید کمک به تداوم نظام سوسیالیستی شوروی می‌بود. بر مبنای چنین رویکردی، مالکیت مطبوعات با دولت بود و فقط اعضای حزب کمونیست می‌توانستند به آن دسترسی داشته باشند. مطبوعات کاملاً تحت کنترل و نظارت دولت به فعالیت‌های خود ادامه می‌دادند و هر گونه انتقاد از دولت از سوی مطبوعات ممنوع شده بود و با منتقدان به شدت برخورد می‌کردند. با گذشت زمان و گسترش رسانه‌ها و ابزارهای اطلاع‌رسانی در کنار مطبوعات، حق آزادی بیان بیشتر مورد توجه قرار گرفت و از شکل بسیط و اولیه خود که آزادی اطلاعات در قلمروی نظارت دولت بود، خارج گردید (۹).

شایان ذکر است که به رسمیت شناختن حق بر آزادی مطبوعات به عنوان یک حق بنیادین بشری، دو نتیجه مهم را در پی خواهد داشت: نخست آنکه مطبوعات، ابزاری برای تأمین منافع دولت‌ها نیستند و باید از آن‌ها در راستای تأمین منافع عموم بهره گرفت. در یک جامعه مبتنی بر دموکراسی، دولت نه مالک، بلکه ناظر بر مطبوعات است. در چنین جوامعی افراد به قدرت حاکمه خود اعتماد نموده تا اطلاعات را در جهت منافع آنان گردآوری و تدوین نمایند؛ دوم حق بر آزادی مطبوعات باید به صورت حداکثری از سوی دولت‌ها برای شهروندان خود تأمین گردد، به طوری که شهروندان به صورت فعال با در نظر گرفتن مسؤولیت‌های گسترده، نقش مؤثری در سازماندهی جامعه داشته باشند (۸).

در عصر نوین، حق بر آزادی مطبوعات سبب اثرگذاری، اقناع و انگیزش بازیگران با جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، پردازش و توزیع اطلاعات در زمان مناسب بدون محدودیت مکانی در راستای منافع ملی دولت‌ها شده است. حمایت عملی از آزادی مطبوعات در ایجاد فرهنگ صلح از اهمیت به سزایی برخوردار است، چراکه تقویت ظرفیت ارتباطی افراد بشری در جوامع، به ویژه در کشورهای در حال توسعه و افزایش مشارکت مردم در مسائل اصلی جامعه که ناشی از حق بر آزادی مطبوعات است، می‌تواند در روند توسعه جوامع مزبور تأثیرگذار باشد. اهمیت حق بر آزادی مطبوعات به منزله شرط لازم برای حکمرانی مطلوب (Good Governance) در راستای ارتقای آزادی بیان و توسعه اجتماع کارآمد است (۱۰). علی‌رغم این‌که حق بر آزادی مطبوعات حامی شفافیت و زمامداری عادلانه است، وجود چنین حقی تضمین خواهد نمود بر این‌که جامعه علاوه بر برخورداری صرف از قوانین، از قواعد و مقررات منصفانه و عادلانه نیز بهره‌مند است.

۳- مؤلفه‌های بنیادین حق بر آزادی مطبوعات

آزادی یک حق ذاتی (Inherent Right) است و طبعاً مؤلفه‌هایی دارد. این‌ها مؤلفه‌هایی هستند که بدون آن‌ها، چیزی به نام حق آزادی محقق نمی‌شود و از نظر حقوقی برای تحقق آزادی لازم است. همین منطق بر مفهوم حق بر آزادی مطبوعات که خود از مؤلفه‌های حق آزادی بیان و حق آزادی است، حاکم است. به عبارتی حق بر آزادی مطبوعات، اگرچه مفهومی دقیق‌تر از حق آزادی بیان یا حق آزادی است، ولیکن یک مفهوم کلی تلقی می‌شود و لازم است برای فهم و درک و تبیین آن حق‌های دقیق‌تری را که ابهامات را برزایند، کشف یا حسب مورد وضع گردند. بر اساس چنین تحلیلی از حق بر آزادی مطبوعات می‌توان گفت این نوع از آزادی

با حداقل چهار حق اساسی مترادف است. زمانی که از حق بر آزادی مطبوعات صحبت می‌شود، اولین مؤلفه‌ای که از آن به ذهن متبادر می‌شود، حق آزادی انتشار است، چراکه حق بر آزادی مطبوعات یک حق ذاتی است و نه اعطایی.

زمانی که یک حق، ذاتی است یکی از آثارش آنست که همگان صلاحیت استیفای آن حق را دارند، مگر خلاف آن ثابت گردد. با توجه به این‌که انتشار مطبوعات یک رفتار اجتماعی محسوب شده و اشخاص با انتشار آن طرف تعهد و دارای مسؤولیت حقوقی یا حتی کیفری قرار می‌گیرند، لاجرم می‌بایست از شرایط مسؤولیت قانونی برخوردار باشند. بنابراین برای انتشار مطالب در قالب مطبوعات برخورداری از شرایط عمومی مسؤولیت قانونی ضروری است (۱۱).

دوم، حق بر آزادی مطبوعات متضمن حق استمرار انتشار است. اگر اصل بر آزادی مطبوعات باشد، قاعدتاً مطبوعات باید بتوانند در وضعیت استمرار، فعالیت‌های خود را انجام دهند. اگر دولت‌ها مجاز باشند که به سهولت از انتشار مطبوعات جلوگیری نمایند، عملاً حق آزادی انتشار و تبعاً حق بر آزادی مطبوعات تعطیل یا در حکم تعطیل خواهد بود. تجویز ممانعت از انتشار مطبوعات به صورت نامحدود و غیر مقید برای دولت‌ها، عملاً جایی برای آزادی مطبوعات باقی نمی‌گذارد (۱۱).

بنابراین منطق حقوقی ایجاب می‌کند که استثنا نباید به اندازه‌ای زیاد شود که رسماً و عملاً چیزی از اصل باقی نماند. سخت‌گیری برای شروع فعالیت‌های مطبوعات، افزایش تخلف‌های مطبوعاتی، بازگذاشتن دست مراجع اداری یا نظارتی اداری (مانند هیأت‌نظارت بر مطبوعات) برای توقیف و منع از انتشار و... از مصادیق این استثنائاتی هستند که مؤلفه مذکور را از میان می‌برند. هر نشریه‌ای باید بتواند اخبار و مطالبی را که لازم و مناسب تشخیص می‌دهد، به هر ترتیب که مایل است، منتشر کند. استمرار انتشار مطالبی که متضمن نشر اکاذیب و افترا و توهین و افشای اسناد طبقه‌بندی شده و... است، جایز نیست و انتشار آن‌ها مستحق تعقیب و تنبیه است.

سوم حق بر آزادی مطبوعات شامل حق کسب خبر است. به عبارتی رسالت مطبوعات گردش آزاد اطلاعات است و لازمه گردش آزاد اطلاعات، داشتن اطلاعات است. حق کسب خبر در معنای دقیق کلمه عبارت است از حق دسترسی مطبوعات به اطلاعات و اخبار (۱۲). در اینجا

لازم است به تقسیم‌بندی اخبار به اعتبار منابع آن‌ها نیز توجه شود. اخبار به اعتبار منابع به دو دسته قابل تقسیم هستند.

یک دسته اطلاعات میدانی است که شامل اطلاعات و داده‌های خبری‌اند که در کانون اصلی واقعه یا سوژه قرار دارند. بنابراین آنچه که در قلمرو دولت‌ها می‌گذرد، اخبار میدانی خواهند بود. از منظر حق کسب خبر، کلیه این اطلاعات باید در دسترس مطبوعات باشند، به طوری که یک روزنامه‌نگار مستقیماً بتواند به این اخبار مراجعه نماید و از میدان اطلاعات، خبر کسب کند و نمی‌توان جزء در موارد استثنایی که به آن‌ها اشاره خواهد شد؛ از دسترسی روزنامه‌نگار به اطلاعات و اخبار مخالفت نمود.

دسته دیگر اطلاعات رسانه‌ای است که شامل اطلاعاتی هستند که مطبوعات از رسانه‌های دیگر کسب می‌کنند. پایگاه‌های اینترنتی، وبلاگ‌ها و... رسانه‌هایی هستند که هریک ممکن است برای رسانه‌ای دیگر یک منبع خبری تلقی شوند. برای تحقق حق کسب خبر، لازم است در وهله نخست الزامات قانونی مؤثر و اجرایی برای انتشار اطلاعات و اخبار توسط دولت‌ها وضع گردد. علاوه بر این لازم است ممانعت از انجام وظیفه روزنامه‌نگار در حق بر کسب خبر به عنوان یک جرم با مجازات‌های سنگین شناسایی شود.

دو استثنایی کلی بر حق کسب خبر وارد است: نخست اسناد طبقه‌بندی‌شده است. اصولاً در نظام حقوقی کشورها قوانین مجازات افشای اسناد طبقه‌بندی‌شده و محرمانه، بسیار کلی تدوین یافته‌اند، به طوری که حتی ساده‌ترین مقامات هیأت حاکمه برای طبقه‌بندی کردن هر نوع مدرکی مجاز دانسته شده‌اند. این در حالی است که وضع چنین قوانینی، مطلقاً مخالف حق بر آزادی مطبوعات است و مانعی جدی برای دسترسی مطبوعات به اطلاعات محسوب می‌شود.

استثنای دیگری که به حق کسب خبر وارد است، حریم خصوصی است. حریم خصوصی بخشی از زندگی اشخاص است که یک فرد آن را متعلق به خود دانسته و ورود به آن را برای دیگران جایز نمی‌داند و از آن نفع یا زیانی به طور مستقیم به دیگران وارد نمی‌شود. هر کس حق دارد در حریم خصوصی خویش به ترتیبی که علاقه دارد، رفتار کند و بیان‌دیشد (۱۲). بنابراین هیچ خبرنگاری اجازه ورود مستقیم یا غیر مستقیم و کسب خبر از حریم خصوصی که فقط مربوط به اشخاص است، نخواهد داشت.

چهارم حق دادرسی (Right to Trial) خاص از دیگر مؤلفه‌های حاکم بر حق آزادی مطبوعات است. به موجب این حق، جرائم مطبوعاتی باید در محاکم قضایی، به صورت علنی و با حضور هیأت منصفه رسیدگی شوند. این یک حق دادرسی خاص برای جرائم مطبوعاتی است. در این بحث خصوصاً نحوه انتخاب هیأت منصفه بسیار مهم است. هیأت منصفه باید به نحوی انتخاب شوند که واقعاً نماینده افکار عمومی باشند. یک هیأت منصفه اصولی، نباید در همه محاکم ثابت باشند. هیأت منصفه باید در همه مراحل دادرسی حضور داشته باشند تا در صورت محکومیت متهم در دادگاه، حق دفاع او در مراحل بعدی دادرسی نیز محفوظ بماند (۱۳).

بنابراین هیأت منصفه به عنوان نماینده افکار عمومی با حضور در محاکم، در مورد مجرمیت یا عدم مجرمیت متهم، تصمیم‌گیری می‌کند. به عبارتی، در جرائم مطبوعاتی، این افکار عمومی و تبعاً جامعه است که نسبت به متهم تصمیم می‌گیرد نه محاکم قضایی که نماینده حاکمیت هستند. رسیدگی به جرائم مطبوعاتی با عنایت به حق مذکور الزاماً علنی است و محاکم قضایی نمی‌توانند تحت هیچ عنوان دادرسی را به طور غیر علنی برگزار نمایند. به نظر می‌رسد این امر به منظور جلوگیری از تعرض به حقوق متهم مطبوعاتی است، این در حالی است که در مواردی همچون نظم عمومی یا منافی عفت عمومی، محاکمات به صورت غیر علنی برگزار می‌شوند. علنی‌بودن محاکمات به عنوان حق دادرسی خاص نوعی ضمانت اجرای عملی برای دادرسی عادلانه در محاکمات مطبوعاتی به شمار می‌آید. مؤلفه‌های که در این قسمت بدان‌ها پرداخته شد، صرفاً شماری از حقوق بنیادین مربوط به حق بر آزادی مطبوعات و البته مهم‌ترین آن‌ها هستند. مسأله اصلی اینست که حق بر آزادی مطبوعات متشکل از این مؤلفه‌های اساسی است. چهار حق بنیادین مورد اشاره، به مثابه معیارهایی هستند که با استفاده از آن‌ها، می‌توان حق بر آزادی مطبوعات را به صورت دقیق شناسایی و تفسیر نمود و حتی در تدوین مقررات و قوانین مطبوعاتی یا اندازه‌گیری آزادی مطبوعات از آن‌ها به عنوان حداقل استاندارد استفاده کرد.

نقش مطبوعات در تأمین آزادی در نظام بین‌المللی حقوق بشر

حقوق بشر مجموعه قواعد و مقرراتی است که هدف از آن حفظ شأن و کرامت انسان و ارزش‌های حیاتی بشر است که مطلوب وجدان انسان‌ها باشد و برای حفظ توازن اخلاقی در راستای نیل به ارزش‌های متعالی جامعه بین‌المللی فارغ از مرزبندی‌های جغرافیایی لازم الرعایه‌اند. به عبارتی حقوق بشر، حقوق فرد انسانی است که تأمین و تضمین آن مبتنی بر

شناسایی آزادی به مثابه حقوق ذاتی فرد انسانی است (۱۴). همان گونه که اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹ م.) در ماده ۶ خود اشعار می‌دارد: «آزادی قدرتی است متعلق به انسان که بتواند آنچه را که به دیگران زیان نمی‌رساند، انجام دهد، مبنای آزادی، طبیعت و قاعده آن عدالت و نگاهدار آن قانون است» (۱۵). بنابراین وجود آزادی (Liberty) اساس و پایه نظام بین‌المللی حقوق بشر است، ولیکن ابزار آزادی وابسته به وجود حق‌های ابزاری آن در حقوق بشر است که از جمله این حق‌ها می‌توان به حق بر آزادی مطبوعات اشاره کرد. به دیگر سخن آزادی مطبوعات وسیله ایفا و ابزار آزادی افراد انسانی است. پرسشی که پاسخ بدان خالی از فایده نیست، آنست که آزادی مطبوعات به چه گرایشی از آزادی سوق دارد.

همان گونه که از اعلامیه جهانی حقوق بشر (Universal Declaration Of Human Rights)، میثاق حقوق مدنی، سیاسی (International Covenant On Civil & Political Rights) و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (international covenant on economic, social & cultural rights) برمی‌آید، حق بر آزادی مطبوعات از مصادیق آزادی‌های مدنی - سیاسی بوده و به عنوان آزادی حقوقی، پایه علمی آن مبتنی بر نظریه مقاومت می‌باشد. این نظریه در قرن نوزدهم میلادی با ظهور رژیم‌های لیبرال شکل گرفت. مطابق آن حقوق و آزادی‌های فردی به مثابه ابزار و وسایل دفاعی و مقاومت فرد در برابر دولت تلقی می‌شد و هر گونه خدشه به آن را به معنی خلع سلاح کردن فرد و لطمه زدن به استقلال و آزادی او قلمداد می‌کردند (۱۵).

از آنجایی که مطبوعات، مظهر تمدن و رشد و بیداری یک ملت است، حمایت از آن به عنوان حقوق فردی از سوی دولت - حاکمیت میزان اعتبار و مشروعیت آن دولت را می‌سجد و به عبارتی دیگر معیار سنجش دموکراتیک بودن یک دولت در ادوار مختلف زمانی وابسته به میزان محدودیت و مداخله آن دولت در آزادی‌های عمومی و فردی، من جمله آزادی بیان و آزادی مطبوعات است. به طور مثال می‌توان به رتبه‌بندی سالانه جهانی توسط ستاد تحقیقاتی آزادی که هر سال گزارشی در خصوص آزادی مطبوعات از دولت‌ها تهیه می‌کند و مقر آن در واشنگتن امریکا است، اشاره نمود که نشان از اهمیت مطبوعات در تأمین آزادی و رعایت حقوق بشر از سوی دولت‌هاست (رتبه‌بندی سال ۲۰۱۲: کشورهای فنلاند، نروژ و سوئد رتبه نخست/ کشور فدرال آلمان رتبه ۱۶/ ایالات متحده امریکا رتبه ۲۲/ انگلستان رتبه ۳۱/ فرانسه رتبه ۴۳/ چین رتبه ۱۸۷/ کره شمالی از لحاظ آزادی مطبوعات جزء کشورهای در وضع بسیار نامساعد قرار دارد.

رتبه‌بندی سال ۲۰۱۴: کشورهای هلند، نروژ و سوئد رتبه نخست/ کشور فدرال آلمان رتبه ۱۸/ ایالات متحده امریکا رتبه ۳۰/ انگلستان رتبه ۳۶/ فرانسه رتبه ۳۳/ چین رتبه ۱۸۳/ کره شمالی در همان سال مجدداً از لحاظ آزادی مطبوعات جزء کشورهای در وضع بسیار نامساعد قرار گرفت (۱۶). به بیانی ساده‌تر می‌توان چنین اذعان کرد که مطبوعات نقش ناظر اجتماعی بر دولت و ارگان‌های مختلف اجتماعی را بازی می‌کنند که از یک طرف وظیفه شفاف‌سازی و توسعه دامنه مسئولیت برای ارگان‌های اساسی حمایت از حقوق بشر دولتی را به عهده دارند و از طرف دیگر عملکرد مبارزه‌ای در قبال فساد بروکراتیک در جوامع مدرن را دارند (۱۷). در بندهای آتی این قسمت حق بر آزادی مطبوعات را از منظر اسناد حقوق بشری از نظر خواهیم گذراند و محدودیت‌های ناظر به این حق را تبیین خواهیم نمود.

۱- حق بر آزادی مطبوعات در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

آزادی مطبوعات جزء آن دسته از حق‌های بشری است که متلازم با آزادی بیان، حق دسترسی به اطلاعات یا آزادی اطلاعات، آزادی فکر و عقیده است. به طوری که آزادی مطبوعات پیش‌شرط آزادی‌های مذکور است. به عبارتی تا زمانی که مطلبی به هر وسیله نشر نشود، آزادی مطبوعات ایجاد نمی‌شود و به طریق اولی فعالیت‌های معنوی همچون آزادی فکر و عقیده انجام نخواهد شد و ابنای بشری در اسارت جهالت باقی خواهند ماند، اما با این وجود در اعلامیه جهانی حقوق بشر صراحتاً از این آزادی نام برده نشده و با این وجود آزادی بیان را می‌توان از لحن ماده ۱۹ اعلامیه و نیز مواد ۱۸ و ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی استنباط کرد که در واقع امر مربوط به آزادی بیان و آزادی عقیده است.

در تأیید این نظر که حق بر آزادی مطبوعات در منشور حقوق بین‌المللی بشر مورد شناسایی قرار گرفته، می‌توان به بند ۲ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی اشاره کرد که اشعار می‌دارد: «... این حق (آزادی بیان) شامل آزادی تفحص، تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحداً خواه شفاهاً یا به صورت نوشته ... می‌باشد» که با توجه به تعریفی که از آزادی مطبوعات شده است، متوجه همخوانی آن با ماده ۱۹ پیمان‌نامه می‌شویم (آزادی مطبوعات حق بر انتشار مطالب به هر وسیله اعم از روزنامه، مقاله، تلویزیون بدون هر گونه مداخله و محدودیت دولتی) (۱۸).

آزادی مطبوعات در پیمان‌نامه‌های مختلف حقوق بشری اعم از جهانی و منطقه‌ای مورد شناسایی قرار گرفته که کنوانسیون‌های منطقه‌ای حقوق بشر در مواد مختلف بدان پرداخته‌اند. ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، آزادی بیان را شامل «آزادی داشتن نظریات و دریافت و اشاعه اطلاعات و اندیشه‌ها بدون مداخله مراجع دولتی و قطع نظر از مرزها» اعلام می‌کند. همچنین منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها در ماده ۹ چنین اشعار می‌دارد که هر فرد حق دریافت اطلاعات را خواهد داشت. همچنین هر فردی حق ابراز و انتشار عقاید خویش را مطابق قانون خواهد داشت که نسبت به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دارای محدودیت بیشتری است. ماده ۳۲ منشور عرب در مورد حقوق بشر و نیز کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در ماده ۱۳ که عیناً برگرفته از بند ۲ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد، این آزادی را مورد شناسایی قرار داده‌اند (۱۷).

یکی دیگر از اسناد بین‌المللی مهم در این زمینه که تعهد ایجابی را متوجه دولت‌ها کرده است؛ اعلامیه آتما آتا (Alma Ata) مصوب ۱۹۹۲ است که به تأیید کنفرانس عمومی یونسکو رسیده است و به بهبود قانونگذاری در جهت حمایت از آزادی‌های مطبوعات اشاره دارد (۱۸). در تأیید ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، سندی تحت عنوان اعلامیه اصول آزادی بیان در اکتبر سال ۲۰۰۰ به تصویب کمیسیون آمریکایی حقوق بشر رسید که علاوه بر شناسایی آزادی مطبوعات در مقدمه آن، حق هر فرد را بر جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات مطابق ماده ۱۳ کنوانسیون در اصل دوم اعلامیه اشاره کرده و اعضا را از تبعیض قائل‌شدن میان افراد در برخورداری از آزادی بیان و اطلاعات منع کرد (۱۹).

اما صورت دیگر مسأله آنست که دولت‌ها در قبال افراد خاص تابع آزادی مطبوعات مانند روزنامه‌نگاران، پژوهشگران و... چه تعهداتی را بر دوش دارند، در اسناد مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای با طرح بحث حریم خصوصی، امنیت شخصی تعهداتی همچون حمایت از این افراد، عدم بازداشت‌های خودسرانه (Arbitrary Detentions) و مجازات‌های غیر قانونی (Illegal Penalties) و همچنین حمایت‌های مالی مطرح شده است (۲۰). همانطور که از اسناد مختلف برمی‌آید در هر حال هدف از آزادی مطبوعات در سطح بین‌المللی و ملی توسعه عدالت اجتماعی از طریق بیان حقایق، گسترش دانش و اطلاعات و تقویت‌کننده اعتماد مردمی به کارکرد نهادهای دولتی و شفافیت‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی است.

۲- محدودیت‌های حق بر آزادی مطبوعات

به طور کلی آزادی در مفهوم عام در قالب حقوقی، مطلق و بی‌قید و شرط نیست. به نظر می‌رسد آزادی در دو مفهوم فلسفی و حقوقی بگنجد، به طوری که آزادی در مفهوم فلسفی آن به حالت مطلق و در معنای در قید و بندنبودن می‌باشد و به عبارتی به دنبال پاسخ به ابهام آیا بشر به واقع آزاد است، می‌رود، اما زمانی که آزادی در قالب حقوقی قرار می‌گیرد، مسؤولیت برخورداری از آن نیز بر دوش مخاطب بار می‌شود و عدالت حدود مرزهای آزادی را تعیین می‌کند، به گونه‌ای که آزادی به تبعیت از یک نظام عقلانی برای ابنای بشری «حق» تلقی می‌شود. به عبارتی آزادی تا حدی محترم می‌شود که مخل نظم عمومی (Public Order) و مقتضیات اخلاقی (Requirements of Morality) در جامعه بین‌المللی یا قلمروی داخلی دولت‌ها نباشد. استدلال این مطلب در اعلامیه جهانی حقوق بشر به چشم می‌خورد، طوری که در متن انگلیسی آن آزادی در دو عبارت «Liberty» و «Freedom» آمده است. تفاوتی که میان دو عبارت با یکدیگر هست؛ آنست که آزادی در معنای اول بیشتر اشاره به مفهوم فلسفی آن دارد و به نظر می‌رسد دارای محدودیتی منطقی نباشد، ولیکن در جایی که از عبارت دوم استفاده شده، نظیر آزادی مطبوعات، اشاره به آزادی در مفهوم رفتاری دارد. بدین معنی که شخص در انجام عملی، تا جایی حق و اختیار دارد که معقول و در چارچوب عدالت باشد. به همین رو آزادی‌هایی که در اعلامیه و سایر اسناد حقوق بشری مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، به تبع رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه دارای محدودیت‌هایی هستند که آزادی مطبوعات از این قاعده استثناء نیست.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۹ محدودیت‌هایی را در استفاده از حقوق و آزادی‌ها مورد شناسایی قرار داده که به وسیله قانون منحصر به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردد. همچنین اشعار می‌دارد که حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نباید برخلاف اهداف و اصول سازمان ملل متحد باشد (۲۱).

میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز در ماده ۱۹ خود صراحتاً با اشاره به امور، احترام به حقوق و حیثیت دیگران و حفظ امنیت یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی، این آزادی را به تبعیت از ماده ۲۹ اعلامیه تابع چنین محدودیت‌های قرار داده است. محدودیت‌های دیگری که

در میثاق متوجه سایر حقوق و آزادی‌ها علاوه بر آزادی مطبوعات نیز هست، مندرج در مواد ۴ و ۲۰ این سند بین‌المللی می‌باشد.

مطابق با ماده ۲۰ تبلیغ برای جنگ و نیز ترغیب به کینه‌توزی و تنفر ملی یا نژادی و یا مذهبی ممنوع شده است و طبق ماده ۴ میثاق که مشابه مفاد آن در ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده، در زمانی که خطر عمومی فوق‌العاده‌ای موجودیت ملت را تهدید می‌کند، به اعضای میثاق اجازه تعلیق موقت اجرای پیمان‌نامه داده شده که مشروط به عدم مغایرت با حقوق بین‌الملل و عدم منجرشدن به تبعیض میان افراد می‌باشد (۲۲).

محدودیت‌های مذکور در فوق عیناً و یا با اندکی تغییر در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر نیز اندیشه شده است. به طور مثال در بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی علاوه بر موارد مندرج در اعلامیه و میثاق، منافع امنیت ملی نیز به محدودیت‌ها اضافه شده است. ایرادی که بر این محدودیت وارد است، کلی‌بودن و قابلیت تفسیر موسع آن است، چراکه دولت‌ها در موارد بسیاری به بهانه‌های عدم انطباق با منافع امنیت ملی، آزادی بیان، آزادی اندیشه و آزادی مطبوعات را به کرات نقض می‌کنند. به طور مثال با بهره‌گیری از ابزار، نظیر سانسور، کنترل‌های پنهانی، ارسال فرکانس‌های رادیویی (پارازیت) مانع ارتباطات و پخش افکار و عقاید که مخالف آزادی بیان و آزادی مطبوعات می‌باشد، می‌شوند.

راهکاری که می‌توان برای حل این معضل ارائه کرد، آنست که طبق رسالتی که آزادی مطبوعات دارد: اولاً بایستی منافع امنیت ملی کشورها احصاء گردد تا اعمال محدودیت مطابق ماده ۲۹ اعلامیه تابع قانون باشد؛ ثانیاً به جای سانسور پیشاپیش مطابق قانون، مسؤولیت قانونی را بر افراد تحمیل نماید.

مخلص کلام آنکه اعمال محدودیت بر آزادی مطبوعات بایستی تنها تابع قانون باشد و دولت‌ها باید گام‌های ضروری را برای تضمین حق بر آزادی مطبوعات بر دارند و نیز از جرم‌انگاری تظاهرات به منظور آزادی بیان در چارچوب قانون خودداری ورزیده و متعاقباً از ایجاد هر نوع محدودیت خودسرانه در ابراز این آزادی بپرهیزند، چراکه نهایتاً نتیجه آزادی مطبوعات و دریافت آزادانه اطلاعات فراهم‌نمودن رشد و پیشرفت کشورهاست (۲۳).

نتیجه‌گیری

توسعه تدریجی مطبوعات در جوامع مدنی در انتقال اطلاعات و طرح مباحث فکری و نظری، گام مؤثری محسوب می‌شود. حق بر آزادی مطبوعات عملاً امکان دسترسی به دیگر حقوق آزادی همچون آزادی عقیده را فراهم خواهد کرد. آنچه در این حوزه دائر مدار کلام و قانون اصلی بحث است، واژه حق بر آزادی است. در صورت تحقق این حق است که مطبوعات با انتقاد سازنده خویش بدون توهین یا تحقیر و با ارائه اطلاعات صحیح و بدون تحریف‌شده علی‌رغم جلب اعتماد شهروندان به خود سبب ارتقای دموکراسی در داخل حاکمیت می‌شوند. با وجود حق بر آزادی مطبوعات زمینه برای تحقق عدالت اجتماعی در جوامع فراهم می‌شود.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و قوانین اساسی کشورها بر این نکته اتفاق دارند که حق بر آزادی مطبوعات یک حق بنیادین بشری است. در ماده ۱۹ اعلامیه و مواد ۱۸ و ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، به گونه‌ای که بدان اشاره شد، حق بر آزادی قرار داده شده است و این آزادی شامل آزادی مطبوعات نیز می‌گردد. با این حال، امکان محدود ساختن این آزادی نیز در آن‌ها پیش‌بینی شده است. بند ۳ ماده ۱۸ پیمان‌نامه نمونه‌ای از این واقعیت است. حمایت از امنیت و نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق آزادهای اساسی دیگران در قالب رعایت حریم خصوصی مصادیقی از این نوع محدودیت‌ها هستند که باید مورد رعایت بازیگران این عرصه قرار گیرند.

بنابراین مهم‌ترین وظایف مطبوعات گسترش دانش و اطلاعات مخاطبان در زمینه‌هایی است که امکان دسترسی و تجربه مستقیم از رویدادها و موضوع‌های مختلف برای آن‌ها فراهم نباشد. با توجه به این‌که مطبوعات به عنوان وسیله‌ای برای انتقال مسائل و مشکلات شهروندان به مقامات هیأت حاکمه و پاسخگویی آنان به مردم هستند، رسالت عرفی و اخلاقی آنان ایجاب می‌کند تا حقایق را آن‌گونه که هست، مطرح نمایند. حق بر آزادی مطبوعات نتایجی را به دنبال دارد، توسعه عدالت اجتماعی در داخل جوامع و ایجاد ارتباط سالم میان شهروندان و مسئولین حاکمیت و همچنین فراهم‌سازی زمینه برای فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در داخل جوامع مواردی هستند که به عنوان نتایج ناشی از برخورداری از این حق، می‌توان به آن‌ها اشاره نمود.

References

1. Hadadian Moghadam E. Freedom of Expression & Freedom of Press are Human Rights. Tehran: Quarterly of Resaneh; 1380. p.117. [Persian]
2. Esmaeili M. Lessons about Media Law. 1th ed. Tehran: Shar Press; 1391. p.23, 25. [Persian]
3. Verdross A. Forbidden Treaties in International Law. AJIL 1937; 31: 53.
4. Motamed Nejad K. Press Law. 1th ed. Tehran: The center of Studies & Researchs; 1379. Vol.1 p.24. [Persian]
5. Motamed Nejad K, Motamed Nejad R. Legal elements of Freedom of the Press, the Principle Freedom of the Press with Exemptions & Limitations. Quarterly of Resaneh 1380; 2: 22-23. [Persian]
6. Vladeck SI. Inchoate Liability and the Espionage Act: The Statutory Framework and the Freedom of the Press. Harvard Law & Policy Review; 2007. Vol.1 p.221.
7. Katouzian N. Interpretation of Freedom of Press. 1th ed. Tehran: Collection of Articles in Conference of Press Law; 1389. p.18. [Persian]
8. Silbert FS, Peterson T. Schramm, Wilbur, four Theories of the press. Urbana and Chicago: University of Illinois Press; 1956. p.51-57.
9. Richard R, Trevor I. An Introduction to Journalism, Essential Techniques and background knowledge. Chapter 9, Focal Press (Britain); 2002. p.115-118.
10. Ansari B. The Concept, Principles & Implications of Freedom of Information. Nameh Hughohi 1386; 1: 137. [Persian]
11. Maleki J, Vaezi Z. Freedom of the Press in Terms of the Right to Free Access to the Press. Quarterly of Resaneh 1392; 4: 11-14. [Persian]
12. Nourozi K. Requirements & Basic Rights of Press. 1th ed. Tehran: Collection of Articles in Conference of Press Law; 1389. p.36-38. [Persian]
13. Khaniaki H. Power, Civil society & Press. 1th ed Tehran: Tarhe Nou Publications; 1381. p.343. [Persian]
14. Salcedo JC. Human Rights Universal Declaration. Amesterdam: Encyclopedia of public International law, Elsevier Science Publishers B.V; 1985. Vol.8 p.305.
15. Motameni Tabatabaei M. Public Freedoms & Human Rights. 1th ed. Tehran: Tehran University Publications; 1390. p.16-23.[Persian]

16. Freedom of the press. Selected data from freedom Houses Annual press Index, freedom Houses; 2012. p.20, 37.
17. Dang Dung Chi Chu, thi Thuy Hang. International law on the right to freedom of the press. p.1-6. Available at: <http://siteresources.worldbank.org>. Last visited Sep 2, 2015.
18. Human Rights Council, Protecting freedom of the Press in East Asia, Research Report, XVIII. Model United Nation of Lubeck; 2015. p.2-4.
19. Declaration of Principles on Freedom of expression, Approved by the inter American commission on Human Rights during its 108th regular period of session, held from October 2 to 20; 2000.
20. Council of the European Union. EU Human Rights guidelines on Freedom of expression online & offline, foreign affairs Council meeting Brussels, May 12, 2014.
21. Henkin L. Human Rights, Encyclopedia of public International law. Elsevier Science Publishers B.V; 1985. Vol.8 p.272.
22. Gerard Cohen J. Human Rights Covenants. Amesterdam: Encyclopedia of public International law, Elsevier Science Publishers B.V; 1985. Vol.8 p.299-300.
23. UN-GA, A/HRC/14/23, April 20, 2010.